



شماره ۶۱۸، دوره هشتم
سال هجدهم، ۳ مهرماه ۱۳۸۰

**جلوه های شکوهمند
همبستگی بین المللی در
شصتمین سالگرد تأسیس
حزب توده ایران
در صفحات ۹، ۱۰ و ۱۱**

**چکامه یی بر سنگ
به یاد هزاران رزمنده
توده ای که در خاک
خفته اند
در صفحه ۷**

**ضرورت تشدید
مبارزه بر ضد
نظامی گری و برای
حفظ صلح در جهان**

رویداد حمله تروریستی در نیویورک و واشنگتن و کشتار هزاران انسان بی گناه، تأثیر عمیق و در عین حال خشم مردم و نیروهای مترقی در سراسر جهان را برانگیخت. در روزهای پس از این حادثه تکان دهنده، بوش، رئیس جمهوری آمریکا، از جنگ
ادامه در صفحه ۱۲

**اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران
شش دهه پیکار تاریخ ساز و اسطوره ای حزب کارگران، زحمتکشان،
زنان، جوانان، دانشجویان و روشنفکران در راه رهایی میهن از
بندهای استعمار، ارتجاع و استبداد و برای تحقق دموکراسی،
آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!**

هم میهنان گرامی!

با فرا رسیدن دهم مهرماه ۱۳۸۰، شصت سال از تأسیس حزب توده ایران، حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما می گذرد. شصت سال پیش، زندانیان سیاسی آزاد شده از زندان های رضا خان، یاران اندیشمند و انقلابی بزرگ دکتر تقی ارانی، و ادامه دهندگان راه

با هست دیگر شخصیت های آزادی خواه میهن ما، تأسیس کردند. پیدایش

حزب توده ایران، در صحنه مبارزات سیاسی آن روز ایران، واقعه بی مهم و تاریخ ساز بود، و توانست تأثیر مهم و انکار ناپذیری بر حیات سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی میهن ما برجای گذارد. در فضای سیاسی ای که احزاب شاه ساخته و مجیز گوی ارتجاع و استعمار میدان دار بودند، حزب توده ایران پرچم پیکار در راه حقوق

محرومان و توده های رنج را به اهتزاز در آورد، و از همان نخستین روز تولد، مورد خشم و تهاجم همه جانبه نیروهای قرار

ادامه در صفحات ۴ و ۵



نهضت سوسیال دموکراسی و حزب کمونیست ایران به رهبری حیدر خان عموآوغلی، با درک نیازهای اجتماعی و طبقاتی میهن ما و خصوصاً رشد طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران را

**رویش
شصت بهار
گل سرخ**

نام تو روح سحرگهان است
جانت از عطر بهاران سرشار
با قرار گل سرخ
به گذرگاه بهار آمده ای
رویش سبز غرور انگیزت
شادی افروز شکوه سده هاست
بانگ قفتوس هزار آوایت
تیرگی سوز چو آتشکده هاست
تپش گرم هزاران خورشید
خفته در سینه توست
تو پر از زمزمه فردایی
مهر زایشگه توست
در دل مویرگ هستی تو
خون جوشان ارانی جاری است
اختر پرچم افراشته ات
توی دنیای گل افشان پگاه
سند مفتخر بیداری است
همه گردان تو در صحنه رزم
خوشه های ظفر و امیدند
تیغ حدادی این شب شکنان
قصه ی اوج بسی ناهیدند
در چنین روز به مردم سوگند
شصت آتشکده می افروزیم
تا که در شعله بیداد گشش
جهل ضحاک زمان را سوزیم
مهرگان است و شکوهی دارد
رویش شصت بهار گل سرخ
نوش جان همه ی یاران باد
جام های مل سرخ

ابرج

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

نامه همسر دکتر پیمان به سران رژیم ولایت فقیه

با اینکه طی چند هفته گذشته تعدادی از زندانیان سیاسی توسط قوه قضاییه آزاد گردیدند فشار بر دیگر زندانیان دستگیر شده که هنوز در زندان های انفرادی به سر می برند، همچنان ادامه دارد. آزادی زندانیان مزبور همانقدر بدون دلیل بود که دستگیری های آنها در نزدیک به هفت ماه پیش در موقعی که به صورت فله ای تعدادی زیادی از فعالین سیاسی خارج از حاکمیت با اتهامات مسخره و سراپا دروغ به زندان افکنده شدند. اخیراً مرضیه لنگرودی، همسر دکتر پیمان، طی نامه ای به سران سه قوه ضمن تشریح وضعیت همسرش خواستار رسیدگی به وضعیت او گردیده است. در این نامه ضمن اشاره به ملاقات ده دقیقه ای که پس از دو ماه بی خبری به خانواده او داده شده است، آمده است: «پیمان به ما گفت که در نقطه نامعلومی در ایزوله بسر می برد. او از وضعیت پرونده خودش و تشکیل دادگاه کاملاً بی اطلاع بود و از آزاد شدن دوستانش که با او دستگیر شده بودند خبر نداشت، حتی نمی دانست زمان چیست و چه روزی است. پیمان به ما گفت که از او می خواهند به جنایت های مرتکب نشده شهادت بدهد. از او می خواهند به همکاری با منافقین (به گفته بازجویان) و سفارت خانه های خارجی اعتراف کند. از او می خواهند به اقدام مسلحانه بر ضد نظام جمهوری اسلامی اعتراف کند و به دلیل اینکه پیمان حاضر نیست علیه خودش شهادت کذب بدهد با ممنوع الملاقات و ممنوع تلفن کردن وی و بایکوت خبری و انزوای کامل قرار دادن، او را تنبیه می کنند.» در ادامه نامه آمده است: «پیمان در حضور ماموران در حالی که از رفتار خلاف قانون و شان انسانی آنها، به شدت عصبانی و آزرده بود، گفت: به آقای خامنه ای و سران سه قوه بگویید که من از خداوند راضی و خشنودم از اینکه مرا در کوره ابتلائات سخت می آزمایند. شاکرم و امیدوارم که او نیز از من راضی باشد، وجدانم نزد خداوند آسوده است، زیرا ۵۲ سال از عمر ۶۶ ساله ام را در راه آزادی و تحقق عدالت صرف کرده ام و با پایبندی به ارزش های دینی که از صفات لایزال الهی آنها استخراج کرده ام، کوشیده ام هرگز حقیقت را فدای مصلحت ننمایم، بدیهی است هر کس در جریان عمل اجتماعی فعال باشد ممکن است تندروی ها و کندروی هایی داشته باشد.» همسر دکتر پیمان از قول وی می نویسد که او هرگز حتی یک لحظه به آرمان ها و اهداف انقلاب و به تبع آن اصلاحات خیانت نکرده است. مرضیه لنگرودی در ادامه، خطاب به فرماندهان سپاه و سران قوا خواستار بررسی ۷ ماه زندان انفرادی او و ریشه یابی جریان که مخالف آزادی او می باشد گردیده است. نامه از قول دکتر پیمان می نویسد: «پیمان صراحتاً از خانواده اش خواست تا این پیام او را به مردم و دولتمردان در جمهوری اسلامی منتقل سازند که ۶ ماه سهل است، اگر ۶ سال و بیشتر هم از این رنج ها و ستم ها بر او وارد شود، هرگز این رنج ها نمی تواند دل مشغولی و پایبندی اصلی او را، که ارزش ها و آرمان هایش می باشد، از او بگیرد، مگر اینکه او را از خودش جدا سازند.» نامه در پایان خواستار رسیدگی فوری به وضعیت وی بخصوص با توجه به بیماری اش از طرف مسئولان ذیربط و انتقال وی به بند عمومی پس از ۷ ماه زندان انفرادی و بازجویی های طاقت فرسا گردیده است. حزب توده ایران به نوبه خود با انعکاس فشارها و تضيیقات متعدد و گسترده ای که بر زندانیان سیاسی روا می گردد از تمامی نیروهای مترقی می خواهد با استفاده از تمامی امکانات موجود چه در سطح داخلی و چه در سطح بین المللی اقدامات سرکوب گرانه رژیم ولایت فقیه بر ضد نیروهای مترقی و طرفدار واقعی اصلاحات را با شکست مواجه سازند. آزادی های تاکتونی تعدادی از این زندانیان به دلیل همین فعالیت گسترده و همه جانبه صورت گرفته است. با تشدید بیشتر این فعالیت ها راه را برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی دربند هموار سازیم.

در درون دفتر تحکیم وحدت چه می گذرد؟

اختلافات و درگیری هایی که در درون دفتر تحکیم وحدت بروز کرده با اینکه مدت زیادی از آن می گذرد هنوز مهم ترین بحث در درون جنبش دانشجویی میهن ما است. تقسیم بندی و اختلاف مزبور بر سر راه کارهای عملی برای پیشبرد اصلاحات در جنبش دانشجویی در حال سرباز کردن می باشد. در تقسیم بندی دو جریان به عنوان طیف سنتی و طیف مدرن در حال شکل گیری است. این بار منظور از طیف سنتی کسانی هستند که بر امواج جنبش اصلاح طلبی سوار شده اند و اکنون که جنبش خواستار تعمیق هر چه بیشتر اصلاحات شده با اصرار در ادامه سیاست فاجعه بار و تحمیلی «آرامش فعال»، به جنبش دانشجویی در صدد کنترل هر چه بیشتر آن به نفع منافع سیاسی خود می باشند. برای روشن شدن بیشتر این موضوع نگاهی به پست ها و مقام هایی که از این راه نصیب فعالان درون دفتر تحکیم وحدت گردیده است خالی از فایده نمی تواند باشد. در گزارشی از این وضعیت آمده است: «علی باقری سرپرست استانداری گیلان شده است. مجید فراهانی عضو دفتر سیاسی جبهه مشارکت است. علی باقری هم مشارکتی است. وی قبلاً به سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی نزدیک بود. سراج الدین میردامادی در وزارت کشور کار می کند و عضو ائتلاف خط امام است. درودیان عضو شورای شهر شده است. میثم سعیدی عضو جبهه مشارکت و نماینده مجلس شده است. موسوی خویینی هم نماینده مجلس است. اینها تعدادی از افرادی هستند که در سال های گذشته در تحکیم بودند. البته افرادی دیگری هم هستند از جمله بی غم و معین که آنها هم معاون استانداری شده اند. برخی دیگر هم به پست های دیگر راه یافته اند. دفتر تحکیم نردبانی برای ترقی آنها بوده است. برخی از این افراد در زمان دانشجویی مواضعی مستقل داشته و توانستند حمایت دانشجویان را جلب کنند اما اینک به بخشی از قدرت حاکمه تبدیل شده اند و طبیعی است که این افراد از طیف سنتی تحکیم حمایت کنند. نگاه اینها و بزرگترهایشان نگاهی ابزاری به دانشجویان است. این دوستان هم به قدرت و منزلت دست یافتند و هم از سایر مزایا از جمله مزایای اقتصادی بهره مند شده اند. به نظر می رسد در رده های بالای حاکمیت توافق شده که جنبش دانشجویی تحت مهار باشد. سال گذشته آقای یونسی در نشست به اعضای تشکل های دانشجویی گفته بود که ما اجازه تشکل جدیدی نخواهیم داد و همین تشکل های فعلی خواهند بود. تشکل های موجود باید تسویه داخلی نمایند و غیر خودی ها را از خود دور نمایند.» (به نقل از سایت اینترنتی ملی- مذهبی ها) به نظر می رسد با توجه به اتفاقات اخیر در درون دفتر تحکیم وحدت این مطلب احتیاج به تفسیر بیشتری نداشته باشد. اگر ظرفیت جناح حکومتی طرفدار اصلاح رو به اتمام می باشد ظرفیت جنبش اصلاحات هنوز تا آن مرحله راه درازی دارد.

رانت و پدیده «آقازاده ها» و لزوم افشاگری باز هم بیشتر

یکی از مسایلی که در تداوم جنبش دوم خرداد مورد بحث و درگیری میان جناح های حکومتی گردید و به تبع آن نقاطی تاریک از آن نیز برای مردم روشن گردید، مسئله رانت و پدیده «آقازاده ها» می باشد که بار دیگر در روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی بازتاب و انتشار یافت. البته مسأله رانت و پدیده «آقازاده ها» مربوط به ایران و حکومت رژیم ولایت فقیه نیست و معمولاً حکومت های فاسد در سرتاسر جهان در درون خود باعث به وجود آمدن چنین معضلی می گردند. اما آن

ادامه رانت و پدیده آفزاده»

چیزی که در رژیم ولایت فقیه استثنا است میزان سوء استفاده های مالی است که توسط بالاترین مقامات حکومتی در طول بیش از بیست و دو سال حکومت آنها انجام گرفته است. آن چیزی که اخیراً در روزنامه های مجاز جمهوری اسلامی انتشار یافته بایستی قاعدتاً گوشه ای کوچک از این فساد مالی گسترده باشد که به مدد جنبش مردمی فرصت افشا یافته است. روزنامه «نوروز»، ۲۹ شهریور، در گزارشی راجع به پرونده مالیاتی وارد کنندگان شکر افشا کرد که، در سال گذشته از حدود ۱۰۰ هزار تن شکر خام وارد شده فقط هزار تن آن تصفیه و باقی آن وارد بازار آزاد شده است. این در حالی است که در نخستین چهار ماه سال جدید تقاضای مجوز برای بیش از ۷۰۰ هزار تن شکر به دفتر امور گمرکات رسیده که چنین حجم وسیع از تقاضا را جای تامل می داند. این روزنامه همچنین از قول کرباسیان معاون کل وزیر امور اقتصاد و دارایی آورده است که، یک کارخانه بزرگ قند به صورت مستقیم، ۹۲ هزار تن شکر جهت تبدیل به قند و صادرات وارد کرده است که در پی بازدید کارشناسان گمرک اثری از شکرهای وارداتی مشاهده نشده است. در ادامه این گزارش به سوء استفاده های گسترده دیگری هم در این رابطه اشاره شده است که میزان خیانت به منافع مردم در آن به خوبی قابل مشاهده است. روزنامه «نوروز»، در سرمقاله خویش در این باره می نویسد: «پرونده واردات شکر که یکبار نیز سال گذشته در مطبوعات انعکاس یافت و به تازگی نیز خبر دیگری از تخلفات مربوط به آن از طریق منابع رسمی اعلام شده نمونه ای از اقتصاد رانتی متکی بر قدرت سیاسی و منزلت اجتماعی است. قصه از این قرار است که یک کارخانه بزرگ قند و نیز یک شرکت وابسته به یکی از سازمان های عام المنفعه و چند شرکت دیگر که مجوز ورود موقت حجم زیادی شکر را از

وزارت بازرگانی دریافت کرده اند اما پس از واردات به جای تبدیل آن به قند و سپس صادرات، علی الظاهر همه را در بازار داخلی به فروش رسانده اند. در این میان آنچه موجب تعجب و تاسف است مشاهده برخی نام های اشخاص حقیقی در این پرونده است. نام هایی که در جامعه نان و جواهرت و تقدس خود را می خورند.»

مسئله مهم در این میان آن است که به واسطه وجود چنین فساد گسترده در میان بالاترین مقامات رژیم ولایت فقیه که البته محدود به واردات شکر نمی باشد و عرصه های دیگری همچون واردات پارچه را به عنوانی مثالی دیگر و یا واردات لوازم خانگی را در بر می گیرد، باعث گردیده زندگی و معاش میلیون ها نفر از زحمتکشان میهنمان که در کارخانه های مربوطه به کار مشغول بوده اند و هستند در مخاطره قرار گیرد و همانطور که همگان شاهد بوده اند تاکنون ده ها هزار نفر از کارگران و زحمتکشان میهنمان به واسطه سیاست های اقتصادی خانمان برانداز که نمونه فوق یکی از آثار مخرب بر آن است بیکار و اخراج گردیده اند. مسئله مهم دیگری که باید روی آن تاکید شود این است که علیرغم میزان آگاهی و هوشیاری مردم نسبت به این مسئله و این حقیقت که ذوب شدگان در ولایت که رده های بالای حکومت قرا دارند یک پای این فساد گسترده می باشند. متأسفانه تاکنون هیچ ادعای رسمی که مشخصاً چه افرادی و مقاماتی در این زمینه مبادرت به سوء استفاده کرده اند منتشر نشده است. تلاش نیروهای مترقی و طرفدار واقعی اصلاحات باید در جهت حرکت کند که باعث فشار بیشتر برای افشای رسمی اسامی کسانی باشد که در این رابطه نه تنها به ثروت های میلیاردی رسیده اند بلکه با سوءاستفاده از موقعیت سیاسی خویش به منافع عمومی جامعه ضربات جبران ناپذیری را هم وارد ساخته و می سازند.

حمایت از زنان یا تقلیل سطح مطالبات؟

با اینکه اکنون بیش از چهار سال از جنبش دوم خرداد می گذرد و با توجه به این که نقش و حضور گسترده زنان میهنمان یکی از مولفه های اصلی شکل گیری این حماسه بوده است اما به دلیل بینش های حاکم بر مقامات حکومتی دستاورد قابل ارزنده ای این قشر میلیونی به همراه نداشته است. هر چند در اوایل به دلیل فشار گسترده افکار عمومی قول و قرار هایی در این زمینه داده شد اما با گذشت زمان و روند حوادث سیاسی کشور این انتظار که با توجه به شناخت از سیستم حاکم و بینش ناظر بر آن دور از انتظار نبود، هر روز بیشتر رنگ باخت. سخنان الهه کولایی نماینده مجلس در هفته گذشته شاهدی است بر این مدعا که این بار با صراحت بیشتر بیان شده است.

وی در میزگردی، با عنوان زنان اصلاح طلب و آینده اصلاحات، گفت: «در بعد داخلی برآورده شدن انتظارات زنان و تحقق خواسته های تاریخی زنان در تحول دوم خرداد تجلی پیدا کرد. زنان ایرانی خاتمی را به عنوان فردی که می تواند پاسخگو باشد ارزیابی کردند ولی متأسفانه این انتظار زنان برای حضور در کابینه بی پاسخ مانده که این مشکل را باید در داخل ساخت و نظام سیاسی کشور ارزیابی کرد.» (آفتاب یزد، ۲۹ شهریور) وی در ادامه گفت که پس از ۲۲ سال تمام تلاش ها برای راه یابی زنان به سطوح مدیریت عالی بی نتیجه مانده است. وی همچنین در اشاره به وجود قوانین حقوقی موجود در رابطه با زنان اظهار داشت: «در قوانین ما حقوق انسانی زنان به رسمیت شناخته نشده است و توقع از اصلاحات این است که در اصلاح این قوانین گام بردارد.» وی در جایی دیگر گفت: «مشکل عدم حضور زنان را باید در سیاست های کلان نظام جست و جو کرد. البته اقدامات آقای خاتمی در مورد پررنگ تر کردن حضور زنان باید با توجه به ظرفیت های سیستم باشد، برای مثال برخی از علما برای ایشان پیغام فرستادند که از حضور زنان در کابینه جلوگیری نمایند.» سخنان کولایی از دو بعد قابل بررسی است. کولایی به ظرفیت های سیستم اشاره می کند که در آن «علمای» زن ستیز با فرستادن پیغام، محمد خاتمی را در مورد حضور زنان در کابینه بر حذر می دارند. با توجه به ترکیب کنونی کابینه باید به این نتیجه رسید که تمکین در برابر «علماء» در برابر خواست بر حق زنان محروم میهن ما ارجحیت پیدا کرده است. حتی اگر به این نتیجه نیز برسیم که خاتمی می خواسته زنان را در کابینه جای دهد اما نتوانسته، معنی آن این خواهد بود که، در رژیم ولایت فقیه، تحقق حقوق زنان امکان پذیر نیست. چون اگر غیر از این بود، قاعدتاً باید نموده های عینی آن تاکنون قابل مشاهده می بود. اما نکته ای که کولایی زیرکانه با پوشش حمایت از زنان سعی در القای آن به جامعه دارد، تقلیل سطح مطالبات زنان به حضور در کابینه است. توجه به این گفته که «زنان ایرانی خاتمی را به عنوان فردی که می تواند پاسخگو باشد ارزیابی کردند ولی متأسفانه این انتظار زنان برای حضور در کابینه بی پاسخ ماند» را چگونه می توان تفسیر کرد؟ یعنی اگر یکی از همان مهره های رژیم در راس یکی از وزارت خانه ها قرار بگیرد زنان به خواسته های خود رسیده اند. سوالی که در اینجا می توان از الهه کولایی کرد این است که بر طبق قوانین جمهوری اسلامی آیا حتی یک رئیس جمهوری زن (بر فرض مجال در چارچوب رژیم ولایت فقیه) برای خروج از کشور احتیاج به اجازه همسر خویش را دارد یا نه؟ اگر جواب به این سوال مثبت باشد باید تمام تلاش ها متوجه حضور بیشتر زنان در پست های دولتی گردد اما اگر جواب منفی است باید پرسید حضور صرف یک یا چند زن آیا مشکل ریشه ای زنان را حل خواهد کرد یا نه؟ جنبش مردمی با تعمیق هر چه بیشتر باید با روشن کردن این زوایا راه را بر کسانی که سعی در محدود کردن خواسته های بنیادین زنان را دارند مسدود کند.

ادامه وقایع نگاری یک سده جنبش کارگری و کمونیستی ایران در شماره بعد نامه مردم درج خواهد شد

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران

انقلابی، نوگرایی و جسارت در راه یابی برای ادامه تحولات، ارائه راه در آن گره گاه های تاریخی جنبش مردمی که دیگر نیروهای سیاسی کشور چیزی جز سیاهی مطلق و یا سپیدی محض نمی دیدند و بنابراین رسالتی در ادامه راه برای خود قابل نبودند، از مختصات ویژه حزب توده ایران بوده و هست.

نخستین مصاف تاریخی حزب ما در پیشبرد امر مبارزه زحمتکشان، نبرد با فاشیسم و اثرات مخرب آن بر حیات سیاسی کشور بود. دهه ۱۳۲۰ مصادف بود با پیشروی ائتلاف آلمان هیتلری، ایتالیا و ژاپن، که آرزوی استقرار بردگی مطلق را در سراسر جهان در سر می پروراندند. در ایران، مرتجعان حاکم تدارک خوش آمد گویی به پیش قراولان ارتش نازی را می دیدند و افکار زهر آگین و گمراه کننده نازی ها، که سال ها به کمک دستیارانشان درون هیئت حاکمه ایران ماهرانه تبلیغ شده بود، در پوششی از عوام فریبی و دروغ پردازی ضد کمونیستی به خورد مردم داده می شد و بخش های مهمی از جامعه ایران را مسموم ساخته بود. در چنین شرایطی حزب نوپای زحمتکشان می بایست ضمن پی ریزی سازمان حزبی و آشنا ساختن و تجهیز عناصر پیشاهنگ طبقه کارگر با جهان بینی علمی، ماهیت فاشیسم و خطری را که از ناحیه آن متوجه استقلال و آزادی خلق ها می شد به مردم بشناساند و نیروهای ملی را برای مقابله با این خطر تجهیز کند و بالاخره جنبش خلق را برای به دست آوردن، گسترش و تحکیم آزادی های دموکراتیک و حقوق حقه مطالباتی خود راهنمایی کند و متشکل سازد. انتشار روزنامه «مردم» که به «مردم ضد فاشیسم» معروف شد، و فعالیت وسیع و روشنگرانه توده ای ها در سراسر ایران، توانست فضای سیاسی مسموم کشور را عوض کند و توده های وسیع مردم را بر ضد فاشیسم و خطرات آن متحد سازد.

آزمون بزرگ دیگر توده ای ها، در آن سال ها، سازمان دهی و بسیج نیروهای مردمی در راه پیروزی جنبش ملی کردن صنعت نفت ایران و نبرد بر ضد دربار فاسد و وابسته محمد رضا پهلوی و عوامل ارتجاع بود. به گواهی اسناد انبوه تاریخی، که شماری از آنها در سال های اخیر از مراکز اسناد رسمی دولت کشورهای امپریالیستی همچون آمریکا و بریتانیا، پس از گذشت چهل سال بیرون آمده است، ارتجاع و امپریالیسم، حزب را مهم ترین و خطرناک ترین دشمن بر سر راه تحقق منافع خود می دیدند و تمام تلاششان متوجه درهم کوبیدن حزب توده ایران بود.

حتی مخالفان سیاسی حزب توده ایران نیز اعتقاد داشتند که، حزب به خاطر پای بندی به آرمان های توده های محروم و تلاشش در راه بسیج و سازمان دهی آنان مورد شدید ترین حملات ارتجاع و امپریالیسم قرار گرفته است. دکتر شایگان، از رهبران بنام جبهه ملی و از یاران دکتر مصدق، که جزو وکلای مدافع اعضای در بند رهبری حزب توده ایران، در مقابل بیدادگاه های شاه بود، در دفاع از رهبران حزب ما اظهار داشت: «امروز هم ثابت می کنم که اینها را نباید محاکمه کرد... آنها به این آب و خاک خدمت کرده اند. برای درک این حقیقت لازم است افکار آنها را بدانید... اینها به فکر شکم خود و خانواده خود نیستند. اینها برای منافع عمومی زحمت می کشند... مکتب عجیبی درست کرده، مکتب تربیت افراد، حمله به حزب توده از این جا شروع می شود که اینها داشتند افراد را تربیت می کردند. به کارگر و دهقان می فهماندند عوامل بدبختی آنها چیست. چه چیز آنها را به این روز انداخته و برای رهایی چه راهی باید در پیش بگیرند. این بزرگترین گناه حزب توده بود.»

حزب توده ایران در این دوره ملتهد تاریخی، تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، بر رغم آنکه مورد تهاجم مستمر نیروهای امنیتی بود و مبارزه خود را در شرایط نیمه مخفی به پیش می برد، معذالک توانست جنبه ضد استعماری جنبش ملی کردن صنعت نفت را تعمیق کند. با وجود مخالفت های اولیه حزب توده ایران با سیاست های دکتر مصدق در آغاز نخست وزیری او، حزب توده ایران یگانه متحد دکتر مصدق باقی ماند و در حالی که بخش های مهمی از نیروهای مذهبی به رهبری کاشانی، و بخش های مهمی از رهبری جبهه ملی، در آستانه کودتای ننگین سیا در ۲۸ مرداد، به دکتر مصدق و دولت او پشت کردند، این توده ای ها بودند که تا آخرین لحظه در کنار جنبش مردمی ایستادند و این افسران دلیر توده ای بودند که جان خود را در این راه فدا کردند و با خون خود نهال سرکوب شده جنبش مردمی برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی را آبیاری کردند. با پیروزی کودتای ۲۸ مرداد، دوران حاکمیت مطلق و خانمانسوز استبداد شاهنشاهی وابسته به امپریالیسم در ایران آغاز شد. حزب توده ایران، با وجود دادن تلفات سنگین، توانست موجودیت خود را حفظ کند. بر رغم اینکه هزاران توده ای در سراسر کشور مورد هجوم، بازداشت، و شکنجه

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ...

گرفت که هدفی جز خدمت به ارتجاع، استبداد و استعمار نداشته و ندارند.

تأثیر حزب توده ایران بر حیات سیاسی و فرهنگی جامعه ما

تأثیر حزب توده ایران بر حیات جامعه ما را می توان از زوایای مختلفی بررسی کرد. حزب توده ایران یگانه تشکیلات سیاسی کشور بود که بر پایه تحقق آرمان های طبقه کارگر و زحمتکشان با به عرصه حیات نهاد و در سازمان دهی و بردن آگاهی به درون طبقه کارگر نقش یگانه بی را ایفاء کرد. حزب توده ایران در مدت کوتاهی که امکان فعالیت علنی یافت تأثیر معنوی مهمی در امر پیشرفت جامعه ما ایفاء کرد. حزب توده ایران در شرایطی با به عرصه نبرد سیاسی - طبقاتی گذاشت که جامعه ما یک جامعه نیمه فئودالی و نیمه سرمایه داری با فرهنگی عقب مانده و استعمار زده بود. در ایران آن روز زنان حق رأی نداشتند و تعبد و تکلیف پذیری از استعمارگران، فرهنگ بخش مهمی از دولتمردان و سیاسیون کشور را تشکیل می داد. دهقانان با زمین خرید و فروش می شدند، و عقب ماندگی سیاسی - فرهنگی در آمیخته با خرافات و تاریک اندیشی ویژگی اساسی روستای جامعه ما را تشکیل می داد. حزب ما در یک فعالیت کوتاه چند ساله توانست حیات فرهنگی - سیاسی کشور را به تمام معنی دگرگون کند. نخستین برنامه حزب، که در سال ۱۳۲۳ در کنگره اول آن به تصویب رسید، سند تاریخی معتبری در روشن کردن ماهیت انقلابی، آینده نگری، روشن بینی و نواندیشی حزب ماست. این نخستین برنامه یک حزب سیاسی در ۶۰ سال تاریخ معاصر ایران است که خواست تحقق حقوق صنفی کارگران، تقلیل ساعات کار به ۸ ساعت، مسأله ایجاد سیستم تأمین اجتماعی، اصلاحات ارضی برای دهقانان، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان و برابری حقوق آنها با مردان، و حقوق اقلیت های ملی و مذهبی در آن طرح می شود. مهمتر اینکه حزب ما توانست برای تحقق این آرمان های مردمی و مترقی نیروی عظیم اجتماعی بی را از کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان و دانشجویان در جامعه سازمان دهی کند. نقش برجسته و قطعی توده ای ها در ایجاد سندیکاهای کارگری، و تشکیل شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران، در اردیبهشت ماه ۱۳۲۳، تشکیل نخستین اتحادیه های دهقانی، در خرداد ۱۳۲۲، تأسیس «تشکیلات دموکراتیک زنان ایران»، به عنوان نخستین سازمان سراسری بی که در راه حقوق صنفی و سیاسی زنان مبارزه می کرد، در تیرماه ۱۳۲۲، و بالاخره تشکیل سازمان جوانان توده در فروردین ماه ۱۳۲۲، به عنوان سازمان پیشروی جوانان و دانشجویان کشور، از جمله نشانه های روشن تأثیر حزب توده ایران در سازماندهی پیکار وسیع اجتماعی برای دگرگونی بنیادین حیات جامعه ماست.

حزب ما همچنین نقش برجسته بی در آشنایی ایرانیان با اندیشه های نو و خصوصاً اندیشه دوران ساز مارکسیسم و لنینیسم، در شش دهه گذشته، داشته است. انتشار صدها کتاب، مجله و مقاله علمی، در آشنایی نسل های گوناگون میهن ما با مسایل علمی در زمینه های مختلف، خصوصاً در زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تحول کیفی عظیمی در روستای جامعه ایجاد کرد. حتی امروز، پس از گذشت شصت سال، اگر کسی بخواهد با کلاسیک های مارکسیسم به زبان فارسی آشنا گردد عمده ترین مرجعش انتشارات حزب توده ایران است. هراس جدی نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم از حزب ما نیز نه به دلیل نیروی مادی آن، بلکه به دلیل توان عظیم معنوی و تأثیر گذاری حزب در شکل دادن به تحولات ایران بوده و هست.

تأثیر و نقش حزب توده ایران در مهم ترین حوادث تاریخ معاصر میهن ما

در بررسی علمی و بی غرضانه تاریخ معاصر میهن ما، نمی توان نقش کلیدی حزب توده ایران را در حساس ترین لحظات و رخداد های شش دهه اخیر مورد توجه قرار نداد. نگاهی گذرا به رویدادهای شش دهه گذشته میهن ما نشانگر دورنگری و برخورد خلاق حزب، با توجه به تجربیات جنبش مردمی کشور و دیگر خلق های جهان، برای راه گشایی و هدایت تحولات در سمت ایجاد یک آینده دموکراتیک، عدالت خواهانه، آزاد و مستقل برای ایران بوده است. بینش

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران ...

قرار گرفتند، حزب ما، بر پایه نفوذ عمیق خود در میان توده مردم، و این حقیقت که ریشه موجودیت آن از درون تضادهای آشتی ناپذیر جامعه ایران نیرو می گرفت، با وجود همه این دشمنی ها و فشارها، از پا در نیامد. تشکیل سازمان مخفی، مبارزات قهرمانانه رفقای توده ای، همچون تیزابی ها، محاکمات تاریخی رفقا حکمت جو و خاوری، و مبارزات رفقای نظیر تورج حیدری بیگوند و سپس در سال های ۱۳۵۰ تشکیل سازمان زیر زمینی نوید، به همت رفیق شهید رحمان هافتی (حیدر مهرگان)، یخ های استبداد را ذوب کرد و حزب توانست به شکل شایسته یی به استقبال انقلاب بهمن ۱۳۵۷ برود. تأثیر «نوید» در جنبش ضد استبدادی مردم بر ضد رژیم شاه آن چنان بود، که در روزهای سرنوازش ساز انقلاب تیزاب نوید به صد هزار نسخه رسید. حزب توده ایران با شناخت به موقع آمادگی توده های خلق برای شرکت در نبرد نهایی بر ضد رژیم شاه و همه دستگاه ها و نیروهای آدمکش و تبهکارش، با تحلیل عینی از اوضاع، امکان پیروزی قطعی را پیش بینی کرد، و همه نیروهای ملی و میهن دوست و آزادی خواه را برای تشکیل جبهه یی برای تدارک آخرین یورش بر پیکر حکومت استبدادی فرا خواند، و با پیگیری و بدون لحظه یی تزلزل در راه نزدیکی و همکاری نیروهایی که در یک جبهه مبارزه می کردند، گام برداشت. حزب توده ایران در فراخوان تاریخی خود، در ۱۳ شهریور ۱۳۵۷، برنامه عملی جبهه پیگیر نبرد را که با سرنگون کردن رژیم سلطنتی و اعلام جمهوری آغاز می شد، و هدفش اصلاحات عمیق و پیگیر در همه زمینه های زندگی اجتماعی بود، تدوین و پیشنهاد کرد.

حزب توده ایران، با بسیج همه امکانات سازمانی و سیاسی خود در مبارزات انقلابی شرکت فعال کرد. پارتیزان های توده ای در سنگرهای مختلف انقلاب در کنار دیگر نیروهای مترقی و آزادی خواه زمیندند. حزب ما در همان اولین روز های پس از پیروزی مرحلهٔ سیاسی انقلاب، یعنی سرنگونی رژیم استبدادی حاکم، کوشش در راه ایجاد جبهه متحد خلق را به مثابه تنها طریق تضمین ادامه و فرا رویی انقلاب به مراحل بعدی خود در پیش روی نیروهای انقلابی و دموکرات قرار داد. پلنوم ۱۶ حزب به صراحت طرح کرد که «طبقه کارگر و حزبی، حزب توده ایران، تمام امکانات خود را به کار خواهند انداخت تا جبهه متحدی که در عمل از همه طبقات و قشرهای ملی و آزادی خواه به وجود آمده، اتحاد خود را حفظ نماید و دسیسه های گوناگون دشمنی را که می کوشد... این اتحاد را متزلزل سازد عقیم سازد.» عدم پاسخ گویی مثبت نیروهای سیاسی مختلف شرکت کننده در انقلاب به این دعوت صریح حزب ما همانا به دشمنان آشکار و پنهان جنبش انقلابی فرصت داد تا با سودجویی از وضعیت ایجاد شده و با بهره جویی از انواع و اقسام دسیسه ها از جمله حمله نظامی رژیم عراق، به تشویق امپریالیسم، اقدامات تروریستی و خشونت بار تهاجم خونین به صفوف نا متحد انقلابیون را آغاز کنند. روی برگرداندن برخی از اصلی ترین رهبران رژیم، خصوصاً خمینی، از آرمان های اصیل و خلقی انقلاب، از جمله تحقق آزادی و عدالت اجتماعی، و حاکم کردن چارچوب های تنگ، واپس گرا و ضد مردمی، جنبش شکوهمند خلق های میهن را به واپس روی کشاندند. تأثیر حزب ما بر اوضاع انقلابی کشور آنچنان بود که سال ها بعد، سید علی خامنه ای، «ولی فقیه» رژیم، در سخنانی در دیدار با مسئولان «سازمان تبلیغات اسلامی»، در اردیبهشت ماه ۱۳۷۲، از جمله اعتراف کرد که: «در یک برهه از زمان و در همان اوایل انقلاب همه چیز در تیول حزب توده بود... چنین حالتی را من و هر کس دیگر در اوایل انقلاب حس می کرد که توده ای ها و جریان چپ، به خصوص حزب توده بر همه چیز مسلط بود و اصلاً حرکت انقلاب را می خواستند منحرف کنند...» و اما انحرافی که «ولی فقیه» رژیم به آن اشاره می کند چیست. اسناد تاریخی پس از انقلاب بهمن نشان می دهد که، حزب تودهٔ ایران، پیگیرانه در راه تحقق اهداف و آرمان های انقلاب تلاش می کرد، و نیز توانست با بردن شعارهای مترقی به درون توده ها فضای سیاسی کشور را تغییر دهد. طرح شعارها و برنامه هایی همچون ضرورت مبارزه در راه اصلاحات ارضی به نفع دهقانان، از جمله اجرای بند «ج» و «د»: تلاش برای تصویب یک قانون کار متناسب با خواست های انقلاب و مقابله با تلاش های مرتجعان برای تحمیل یک قانون کار عمیقاً ارتجاعی و قرون وسطایی، شرکت در دفاع از خاک میهن، به هنگام آغاز یورش نظامی عراق به ایران، و

سپس مخالفت شدید با ادامه جنگ و شعار ضد ملی و ضد انسانی «جنگ، جنگ تا پیروزی» سران رژیم، پس از بیرون راندن نیروهای عراقی از خرمشهر و شکست سنگین ارتش عراق؛ مقابله با انحصار طلبی و حاکم شدن عقاید واپس گرایان و مرتجعان به جای آرمان های اصیل انقلاب، همچون آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، از جمله برنامه هایی بود که هراس مرتجعان و تاریک اندیشان را بر می انگیزخت، و از همین رو بود که مرتجعان حاکم، همراه با یورش به دست آوردهای انقلاب، و برای تحکیم پایه های حکومت استبدادیشان یورش به حزب تودهٔ ایران را نیز در دستور کار خود قرار دادند، و سرانجام با باری گرفتن از ارگان های جاسوسی آمریکا، انگلستان، اسرائیل، ترکیه و پاکستان، یورش هماهنگ و وسیعی را بر ضد حزب آغاز کردند. هزاران توده ای دستگیر و روانه شکنجه گاه «سربازان گمنام» شدند. یورش به حزب تودهٔ ایران در سال ۱۳۶۱، یورش به انقلاب و نقطه عطفی در حرکت برای به شکست کشاندن انقلاب بود.

حزب تودهٔ ایران در تحولات حساس سال های اخیر

نقش و تأثیر معنوی حزب تودهٔ ایران، در حوادث سال های اخیر میهن ما، نیز سند معتبر دیگری از برخورد خلاق حزب با حوادث و ارائه راه حل هایی است که کورهٔ آزمون حوادث درستی آنها را به اثبات رسانده است. حزب تودهٔ ایران، در دورانی که شماری از نیروهای سیاسی، تحت تأثیر تبلیغات رسانه های غربی امیدوار بودند که «مرد پراگماتیک» رژیم، ایران را به سمت «نوسازی» و حتی آزادی ببرد، در تحلیل اوضاع کشور و مانورهای هیئت حاکمه برای حفظ رژیم، در نشست کمیتهٔ مرکزی خود، در فروردین ۱۳۶۹، به این جمع بندی مهم رسید که: «در کشور ما رژیم خودکامه مذهبی قرون وسطایی حاکم است. این رژیم زیر پوشش «اسلام فقهاتی» حقوق بشر را زیر پا گذارده و به جنایات هولناکی دست زده است... اگر بپذیریم که اصل «ولایت فقیه» سرنوازش میلیون ها انسان را به دست افراد خود کامه ای می سپارد که خود را پای بند و مجری هیچ قانونی نمی دانند، در این صورت باید لبه تیز مبارزه را قبل از هر چیز متوجه این مانع اساسی کرد. هدف از گزینش شعارهای «آزادی و صلح» در پلنوم دیمه ۶۶ عبارت بود از هرچه گسترده تر کردن طیف نیروهای شرکت کننده در جبهه ضد رژیم خودکامه «ولایت فقیه». هم اکنون هم در داخل کشور و هم در خارج از کشور نیروها و شخصیت های مخالف اصل ولایت فقیه اندک نیستند... در عین حال هستند افراد و نیروهایی که هم اکنون نقش معینی در رژیم حاکم ایفا می کنند. آنها دارای باورهای مذهبی هستند اما شواهد امر نشان می دهد که آماده اند برای حذف اصل ولایت فقیه با دیگر نیروها همکاری کنند. حذف این اصل که محتوی اساسی رژیم حاکم است به طور حتم جایگزین کردن اصل دموکراتیک در قانون اساسی و در نتیجه تغییر بنیادین در آن را پیش می کشد. لذا طرح شعار «طرد رژیم ولایت فقیه» یک شعار مرحله ای برای دست یابی به یک هدف استراتژیک است. کما اینکه مبارزه در راه آزادی و دموکراسی نیز در تحلیل نهایی در خدمت دست یابی به هدف غایی است...»

حقانیت این بررسی دقیق امروز، پس از گذشت یازده سال از طرح آن، بیش از پیش برای بخش های وسیعی از نیروهای سیاسی کشور آشکار گردیده است. بر اساس این چنین درکی از حوادث ایران بود که حزب ما، در جریان انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، و سپس انتخابات ۱۸ خرداد ۱۳۸۰، اعلام کرد که نمی توان در چارچوب ادامهٔ رژیم «ولایت فقیه» به تحقق شعارهای جنبش اصلاح طلبی و دست یابی به آزادی و جامعه مدنی امیدوار بود. چهار سال پس از دوم خرداد ۱۳۷۶، و آزمون های گوناگون، از جمله قتل های زنجیره ای مبارزان دگراندیش، یورش خونین به جنبش دانشجویی در ۱۸ تیر ماه، و تشدید فشار برای درهم شکستن این جنبش به عنوان یک نیروی سازمان یافته اجتماعی مدافع اصلاحات، در کنار سرکوب مطبوعات منتقد و دستگیری منتقدان ملی - مذهبی، نادرست بودن نظرات پیرامون امکان تحقق همه آزادی ها در چارچوب رژیم «ولایت فقیه» را به اثبات رسانده است. امروز نیز همچون گذشته، حزب تودهٔ ایران، با اتکاء به جهان بینی علمی خود و با بهره گیری از تجربیات تاریخی شصت ساله معتقد است که راه آینده میهن ما و تحقق آزادی و ایجاد یک حکومت دموکراتیک و مردمی بدون اتحاد همه نیروهای آزادی خواه و مدافع حقوق مردم ممکن نیست. ایجاد جبهه واحد ضد دیکتاتوری، اتکاء به گردان های اجتماعی مدافع اصلاحات، یعنی طبقه کارگر و زحمتکش، جوانان، دانشجویان و

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران ...

زنان پیکارگر میهن ما نیاز تاریخی مرحله کنونی مبارزه میهن ماست. بدون سازمان دهی وسیع این نیروها و بدون توجه به این نظر که در چارچوب رژیم «ولایت فقیه» تحولات بنیادین، دموکراتیک و پایدار در میهن ما ممکن نیست.

اعضاء، هواداران و دوستان حزب

تاریخ حزب تودهٔ ایران بخش جدایی ناپذیری از تاریخ مبارزات رهایی بخش خلق های میهن ما بر ضد ارتجاع و استبداد است. تاریخ حزب تودهٔ ایران ادامهٔ تاریخ حزب کمونیست، ایران و مبارزه یی است که روشنگران سوسیال دموکرات از یک سده پیش در میهن ما آغاز کردند. حزب تودهٔ ایران در شصت سال گذشته بدلیل پیکار طبقاتی و کار عظیم معنوی که در جامعه ما سازمان دهی کرده است اثرات شگرفی برجای گذاشته است. فداکاری های کم نظیر توده ای ها در شصت سال گذشته از صفحات غرور آمیز تاریخ مردم ماست. بررغم حملات پی در پی رژیم های استبدادی و نیروهای ارتجعی، در شصت سال گذشته، توده ای ها همچنان با شور و شوق و از جان گذشتگی پرچم مبارزه کارگران و زحمتکشان را در اهتزاز نگاه داشته اند. این تاریخ و این مبارزه نه تنها دست آورد حزب ما، صفحات درخشانی از جنبش آزادی خواهانه و مترقی کشور ماست. البته این امر به هیچ وجه نافی این واقعیت نیست که حزبی تودهٔ ایران با تاریخی طولانی و آکنده از حوادث عظیم در رویارویی با دشواری های فراوان عاری از اشتباهات نبوده است. مهم در این امر بررسی و برخورد واقع بینانه با این اشتباهات برای گرفتن درس های لازم از آنها بوده است. مترجمان حاکم، ضد کمونیست های حرفه ای و دشمنان و مخالفان حزب ما در طول شصت سال گذشته انبوهی از تهمت ها و تبلیغات گمراه کننده را بر ضد حزب ما سازمان دهی کرده و می کنند ولی آنچه که از میان این انبوه سیاه دروغ و تهمت زنی برای مردم و زحمتکشان میهن ما قابل رویت است سیمای حزب قهرمانی است که در طول بیش از شش دهه تاریخ خود دمی از پیکار در راه تحقق حقوق شان نیاسوده است و در این راه از هیچ فداکاری دریغ نکرده است. حملات مرگبار هیئت های حاکمه و امپریالیسم، ده ها هزار سال زندان، تحمل شکنجه های وحشیانه و ده ها هزار شهید نه تنها نتوانسته است حزب توده ها را نابود کند، بلکه به گواهی تاریخ حزب قهرمانان خاموش خلق، حزب روزبه ها، سیامک ها، کیوان ها، و وارطان ها، حزب افسران وطن دوست، حزب رزمندگان طبقه کارگر و حزب شهیدان ۱۶ آذر، حزب تیزابی ها، حکمت جوها، حزب فاطمه مدرسی ها، رحمان هاتقی (مهرگان) ها، و کی منش ها همچنان استوار و سربلند در برابر تاریخ پرچم خونین و پرافتخاری را که از حیدر عموغلی ها و ارانی ها به ارث برده است، در اهتزاز نگاه داشته و تا پیروزی آرمان های انسانی و والای طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما دمی از پای نخواهد نشست. آینده از آن جنبش مردمی و توده های محروم است و توده ای ها همچون شش دهه گذشته در کنار مردم خواهند رزمید و در راه برپایی ایرانی آزاد، دموکراتیک، آباد و مستقل از هیچ کوششی فروگذار نخواهند کرد.

درود آتشین به شهیدان توده ای و همه شهدای راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن!
درود آتشین به همه زندانیان سیاسی ایران که در سیاه چال های رژیم «ولایت فقیه» مقاومت و ایستادگی می کنند!
زنده باد همبستگی انترناسیونالیستی همه کارگران و زحمتکشان جهان!
با هم در راه تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، و در راه طرد رژیم «ولایت فقیه»!
فرخنده باد شصتین سالگرد تاسیس حزب تودهٔ ایران، حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما!

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران
اول مهرماه ۱۳۸۰

رفیق موری، مبارز خستگی ناپذیر، در گذشت

رفیق فرانتس موری، که از سال ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۰ در سمت دبیر اولی حزب کمونیست اتریش مبارزه می کرد، در روز ۷ سپتامبر سال جاری پس از یک بیماری طولانی در گذشت. در مدت ۲۵هه و نیم که او حزب را رهبری کرد، بررغم آن که از نفوذ حزب کمونیست اتریش در جامعه بعزل مختلف کاسته گشت، ولی در اثر شخصیت، تواضع و منش متحد کننده او، حزب توانست از جایگاه مهم و ویژه ای در حیات سیاسی کشور برخوردار گردد. صداقت و صبر و حوصله از خصائل ویژه او بود که او را از دیگر سیاستمداران حاکم در اتریش متمایز می ساخت. با وجود کوچک بودن حزب، اما اعتبار او، او را از طرف های مورد توجه مذاکره بسیاری از رهبران دولت ها و احزاب کشورهای سوسیالیستی سابق ساخته بود. او در انسان ها بیشتر در پی شناخت خصائل مثبت آن ها بود تا جنبه های منفی. او در ۲۱ اکتبر سال ۱۹۲۴ در یک خانواده کارگری زاده شد. در سال های پیش از جنگ جهانی دوم به گروه های مقاومت ضد فاشیستی پیوست، و پس از جنگ با تمام انرژی به فعالیت در حزب کمونیست اتریش پرداخت. در سال ۱۹۶۵ به دبیر اولی حزب انتخاب شد و تا سال ۱۹۹۰ در این سمت به فعالیت پرداخت، و پس از آن نیز در رهبری حزب، که او از سال های پیش مقدمات جوان کردن رهبری آن را تدارک دیده بود، به تبیین نظرات سیاسی - ایدئولوژیک حزب پس از فرو پاشی کشورهای سو سیالیستی سابق کمک رساند. او در سال ۱۹۹۵ کتاب «تاریخ به پایان نرسیده است» که خاطرات، ترازنامه زندگی سیاسی و نظرات او در مورد آینده را شامل می گردد به چاپ رساند. رهبری حزب کمونیست اتریش در بیانه ای که در روز ۱۱ سپتامبر به مناسبت در گذشت او منتشر ساخت، از جمله نوشت: «با او یک سیاستمدار برجسته کمونیست طبقه کارگر اتریش و یک انترناسیونالیست که در دوران شکست نیروهای سوسیالیستی در جهان نیز، از لزوم سمت گیری برای دگرگونی های بنیادی دست نکشید، در گذشت.» حزب ما با ارسال پیامی به رهبری حزب کمونیست اتریش، ضایعهٔ در گذشت رفیق موری را تسلیت گفت.

■ غرغه حزب توده ایران در «جشن صدای خلق»

جشن «صدای خلق» نشریه حزب کمونیست اتریش، امسال در روز های ۱۰ و ۱۱ شهریور در وین برگزار گردید. از این جشن که از بزرگترین جشن های شهر وین است، وهر ساله در هوای آزاد برگزار می گردد، ده ها هزار نفر بازدید می کنند. در کنار بر نامه های سیاسی که شامل جلسات بحث و گفتگو و غرغه های مختلف احزاب کمونیست، کارگری و مترقی جهان است، برنامه های فرهنگی، ورزشی و تفریحی نیز به گرمی جشن می افزایند و طرفداران ویژه خود را دارد.

واحد حزب ما در اتریش امسال نیز، از جمله مدعوین به جشن بود و رفقا با بر پایی غرغه حزب در «دهکده همبستگی» و از جمله بر پایی میز کتاب به پخش ده ها اعلامیه به زبان فارسی و آلمانی اقدام نمودند و بازدید کنندگان را با نظرات حزب در رابطه با آخرین تحولات ایران و جهان آشنا ساختند و هم چنین در رابطه با برگزاری جشن شصتین سالگرد تاسیس حزب مان به تبلیغ پرداختند. در همین رابطه مجری سن «دهکده همبستگی» سالگرد تاسیس حزب ما را تبریک گفت و از بازدید کنندگان دعوت کرد تا در جشن واحد حزب بدین مناسبت در روز ۲۹ سپتامبر شرکت نمایند. در دیگر احزاب شرکت کننده در دهکده همبستگی می توان از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب کمونیست کوبا، حزب کمونیست عراق و سازمان انقلابی گواتمالا نام برد.

چکامه پی بر سنگ

به یاد هزاران رزمنده توده ای که در خاک خفته اند

شاهنشاهی را به محاکمه رژیم کودتا بدل کرد و در سحرگاه اعدامش حتی اجازه فرمان شلیک را به دژخیمان شاه نداد. و هنوز صدای خرد شدن بدن های قهرمانانی چون وارطان و کوچک شوشتری از زندان ها به گوش می رسد که بررغم روزها شکنجه های وحشیانه در چشم مرگ نگر بستند و آنگاه که جلاد با متنه برقی بالای سرشان آمد با تمام قوا فریاد زدند «زنده باد ایران، زنده باد حزب توده ایران» و هنوز خون این شهیدان بر دیوارهای زندان خشک نشده بود که رفیق حکمت جو خود را در شکنجه گاه یافت و با سربلندی از آن بیرون آمد. و هنوز خلق در سوگ پرویز بود که هوشنگ تیزابی را برای آخرین بار به شکنجه گاه بردند. دژخیم گفت: «کله پوک» و تیزابی در جوابش گفت: «دلم برایت می سوزد فلک زده - مرا بکش و خودت را خلاص کن...» و هنوز صدای گلوله هایی که توج و رحیم و را در سنگر های انقلاب تیرباران کرد در فضا طنین افکن است. نه، این قافله را سرباز ایستادن نیست و کاروان بزرگ شهدای توده ای به راه پرافتخار خود ادامه می دهد. مهرگان در شکنجه گاه مزدوران جنایتکار و تاریک اندیش «ولایت فقیه» با خون خود می نویسد «راه همان است که من رفتم» و قهرمانانی چون: کی منش ها، هوشنگ ناظمی ها (امیر نیک آئین)، فاطمه مدرسی (سیمین فردین) ها، حجری ها، باقرزاده ها، معلم ها، شناسایی ها، حسین پورها و... شکنجه گران را به زانو در می آورند و در محراب شیفتگان آزادی با مرگ پرافتخار خود پیام آور آزادی می شوند. و سپاه نیرومند کارگران و زحمتکشان، با درفش کاویانی و شعارهایی که ارانی و یاران او بر آن نوشته اند، به پیش می آید و صدای گام های پرطنینش پایه های لرزان حکومتی سیاه کار و حکومت گران جنایتکار را می لرزاند و امید آینده بر لب های جمعیتی انبوه نقش می بندد و پرچم داری جوان در صف نخست سپاه خلق می خواند:

«تم آغشته به خون...
کوله بارم بر پشت، چوپ پرچم در مشت
با همه خستگی و خونریزی،
با همه درد که می پیچم از آن بر خویش،
با همه یأس که صحراست به آن آلوده،
پیش می آیم، می آیم پیش.»

و شهیدان خلق از فراز تاریخ می نگرند که بذره های پیکار دلیرانه شان و فداکاری های کم نظیرشان، کشت زاری پر حاصل شده است که راه آزادی نهایی خلق های ستم دیده و محروم ما را هموار خواهد کرد. و نسل های آینده با دلی آکنده از صفا و مهر یاد این اسطوره های جاودان خلق را گرامی خواهند داشت. و تاریخ مبارزات توده ها این چنین نوشته می شود.

در گرامی شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، به دیداری دیگر باره با هزاران شهید توده ای می رویم که در خاک خفته اند. رفیق شهید حجت الله قریشی، که در سنگرهای نبرد مسلحانه انقلاب بهمن ۱۳۵۷، جان خود را فدا کرد همواره می گفت: «با حزب توده ایران تاریخ و سرگذشت شگرفی همدوش است. چیزی مرموز و پر جاذبه، چیزی به تبرک روزبه، سیامک و وارطان در سطر سطر تاریخ این حزب موج می زند، چیزی شبیه توفان.» راستی رمز جذابیت حزب توده ایران چیست که بررغم شش دهه یورش های مرگبار و حملات قطع ناشدنی تبلیغاتی مسموم همچنان چون یاقوتی سرخ فام می درخشد و نسل جدیدی از رزمندگان را در صفوف خود پرورش می دهد؟ راستی چگونه انسان های متبرکی این تاریخ را رقم زده اند؟ سخن از انسان هایی اسطوره ای، مبارزینی دلیر و پویندگان جسور است که در زیر حملات دشمن مخوف جان برکف و پرچم در دست از آب و آتش گذر کردند و به تاریخ پیوستند. و ما در برابر این سؤال تاریخی دیرینه که: آیا در خاک خفتن مردن است؟ یا سکوتی پرمعنا ولی امیدوار به تاریخ می نگریم تا شاید در لابه لای برگ های رنگارنگ آن پاسخی بجوئیم و امید ما بیهوده نیست و تاریخ پاسخ می دهد که آنچه ماندنی و جاودان است پیکار و اثر انسان ها در روند تاریخ است و از زبان نویسنده بی بزرگ پاسخ می دهد: «زنده آنند که پیکار می کنند که جان و نتشان از عزمی راسخ آکنده است. آنان که از نشیب تند سرنوشتی بلند بالا می روند، آنان که اندیشمند به سوی هدفی عالی ره می سپارند و روز شب پیوسته در خیال خویش یا وظیفه یی مقدس دارند و یا عشقی بزرگ.»^۱

و از دور زمزمه انسانی فرهیخته، والا و دانشمند این پاسخ را در لابه لای کلامی سحر انگیز و زیبا تکمیل می کند و انسان را به بنا کردن «آن جاودان» فرا می خواند و از پس خاک های سپاهی که پیکرش را در خود کشیده است باز هم ما را به «امید» داشتن فرا می خواند و می گوید:

«در این عمر گریزنده که گویی جز خیالی نیست
تو آن جاودان را در جهان خود پدید آور...
در آن آنی که دل برهانده از وسواس شیطانی
روانت شعله یی گردد فرو سوزد پلیدی را
بدرد موج درد آلود شک و ناامیدی را...»^۲

و «شط مقدس تاریخ» به حرکت آهسته خود ادامه می دهد و به «دریای تکامل می ریزد»^۳ و در این دریاست که سیمای پهلوانان خاموش حزب ما در کنار هزاران هزار شهید دیگر راه رهایی انسان از بندهای ستم و استثمار، همچون انعکاس خوشه های خورشید بر امواج می درخشند و نوید بخش آینده یی است که این قهرمانان خلق به امید برپایی آن برای نسل های آینده جان خود را نثار آن کردند. رهروان این قافله بزرگ، شصت سال است که رزمیده اند، شهید شده اند و پرچم خونین انقلاب را به رزمنده دیگری سپرده اند. از نخستین روز تأسیس حزب تا سرکوب خونین نهضت دموکراتیک آذربایجان و کردستان، این توده ای ها بودند که در میادین مبارزه حماسه می آفریدند. این فریاد رسای منصوری بود که قلب خود را به جوخه اعدام نشان می داد و می گفت «دژخیم به اینجا شلیک کن» و این فریدون ابراهیمی، فرزند برومند خلق بود که در زندان فریاد می زد: «آینده از آن کسانی است که عرق ریزان کار می کنند، کسانی که دست هایشان از شدت کار پینه بسته است.» و در پای چوبه دار به دژخیمان فرمان می داد: «طناب را به گردنم بیاندازید.» وقتی کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد پیروز شد، اولین کسی را که به جوخه اعدام سپردند، نای انوشه بود که با چشمان باز و با لبخند به استقبال مرگ رفت و پس از او گروهی از کارآمدترین افسران ارتش در مقابل جوخه های آتش قرار گرفتند. هنوز فریاد سرگرد وزیربان در پای چوبه اعدام را می توان شنید که می گفت: «چشمانم را نبندید، تا لرزش دستان دژخیم را ببینم.» و این خسرو روزبه بود که بیدادگاه

۱. ویکتور هوگو.
۲. احسان طبری.
۳. دکتر تقی ارانی.

شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران و از طریق کمونیست های ایرانی، به کارگران و مردم ایران تقدیم می دارد. کمونیست های پرتغالی، با روحیه همبستگی، مبارزه دشوار و پیچیده حزب توده ایران را برای آزادی، صلح، پیشرفت اجتماعی و سوسیالیسم دنبال کرده اند. در این مناسبت تاریخی، کمونیست های پرتغالی، قلباً از همه کمونیست های ایرانی که در مبارزه برای آرمان های آزادی، دموکراسی و سوسیالیسم جان خود را فدا کرده اند، تجلیل می کنند.

ما با نگرانی ویژه ای، تحول اوضاع جهانی را که نظامی شدن فزاینده نشانه آن است، و وخیم تر شدن اوضاع بین المللی نتیجه آن، دنبال می کنیم. اوضاع خاورمیانه، به دلیل سیاست لجوجانه اسرائیل، که با حمایت ایالات متحده به هر قیمت، درصدد ممانعت از دست یافتن مردم فلسطین به آرزوی حقه خود برای ایجاد دولت مستقل با پایتختی بیت المقدس شرقی می باشد، دائماً وخیم تر می شود. در آفریقا و آسیا، تنش و خطر جنگ ادامه یافته و اوضاع وخیم تر شده است. به طور هم زمان دره ای که قدرت های بزرگ (کشورهای توسعه یافته) را از جوامع کم توسعه (توسعه نیافته و در حال توسعه) جدا می کند و قطبی شدن اجتماعی در حال تعمیق و گسترش است. در پشت این این بی ثباتی جهان، منافع امپریالیسم و استثمار و تسلط جهانی قرار دارد. رفقای عزیز،

در این مناسبت تاریخی، ما آرزوهای خود را برای پیروزی های عظیم در مبارزه تان، و برای مستحکم کردن پیوند های موجود دوستی و همبستگی میان دو حزب مان تجدید می کنیم. زنده باد شصتمین سالگرد حزب توده ایران.

■ روسیه

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی،

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری روسیه، از صمیم قلب، شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب توده ایران را تبریک می گوید. حزب شما تاریخی طولانی در مبارزه برای منافع طبقه کارگر و مردم زحمتکش دارد. رفقای ایرانی، مبارزه را در شرایط بی نهایت سخت و دشوار ادامه می دهند. ما همبستگی و حمایت پرولتاریایی خود را اعلام کرده و برای شما در مبارزه آرزوی موفقیت داریم. ما را مسافت های طولانی و مرز ها جدا می کنند. ما با زبان های متفاوت صحبت می کنیم، اما مبارزه ما برای عدالت اجتماعی یکی و متحد است. ما مطمئنیم که در مسیر انتخابی مان از خود تزلزلی نشان نخواهیم داد.

دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری روسیه - ویکتور تیولکین

■ عراق

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق، گرم ترین

جلوه های شکوهمند همبستگی بین المللی در شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران



■ ویتنام

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران، به نمایندگی از سوی کمونیست ها و مردم ویتنام، گرم ترین تهنیت های خود را به شما تقدیم می داریم. در بیش از نیم قرن گذشته، حزب توده ایران، در دشوار ترین و بخرنج ترین شرایط، پیگیرانه برای صلح، دموکراسی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر در ایران پیکار کرده است. ما ضمن تبریک های صمیمانه آرزومند موفقیت شما در مبارزه دشواری که برای تحقق دموکراسی و ترقی اجتماعی، در ایران، پیش رو دارید، هستیم و مبارزه شما را بخشی از پیکار جهانی برای صلح، استقلال ملی و ترقی اجتماعی ارزیابی می کنیم. با آرزوی گسترش و تحکیم روابط دوستانه میان دو حزبمان و مردم هر دو کشور.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام
هانوی اول سپتامبر ۲۰۰۱

■ یونان

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی،

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان، درودهای گرم و روفیانه خود را به مناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران به همه اعضا و هواداران حزب شما تقدیم می کند. درود ما بر مبارزه قهرمانانه حزب شما در راه برقراری آزادی سیاسی و احقاق حق دمکراتیک مردم. ما همچنین به تلاش های پیگیر شما در راه ایجاد یک جبهه متحد ضد دیکتاتوری برای راهبری مردم به سوی تغییرات بنیادی به بار آورنده آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشورتان ادای احترام می کنیم. درود ما بر مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و در قلب آن حزب توده ایران بر ضد بیکاری و فقر و نکبت و سیاست ریاضت و استثمار شدید...

به باور حزب ما، هدف امپریالیست ها از ایجاد یک سیستم ماوراء دولتی در منطقه ما، با توجه به این که چنین ساختاری از سوی نیروهای ناتو حمایت خواهد شد و شرایط را برای نفوذ شرکت های چند ملیتی در آن منطقه هموار خواهد کرد، کاملاً عیان است. این طرح، کنترل پایه های ارتباط بین المللی دریای سیاه، اژه، کانال سوئز و دریای سرخ و نیز تنگه های منطقه خلیج [فارس] را برای آن ها تضمین می کند. حزب ما ضمن احترام به استقلال همه احزاب، پیگیرانه و پیوسته مشوق و حامی همه تلاش هایی است که در جهت اتحاد، هم آهنگی و عمل مشترک جنبش کمونیستی و کارگری صورت می گیرد، اقدام هایی که با هدف ایجاد و بسط جنبش وسیع ضد امپریالیستی و ضد انحصاری بر ضد تهاجم و بربریت امپریالیسم انجام شود، و هر عملی که در تقابل با سیاست های امپریالیستی باشد و زمینه های پیشرفت صلح آمیز خلق ها برای دست یابی به عدالت اجتماعی و سوسیالیسم را فراهم کند. رفقای گرامی، با تاکید بر گستردگی و ژرفش پذیری هرچه بیشتر پیوند های مستحکم برادرانه میان احزاب ما، به شما به مناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران درود می فرستیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

■ پرتغال

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز،

کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال، درود های گرم و برادرانه خود را، به مناسبت

ادامه جلوه های شکوهمند همبستگی بین المللی ...

درودهای رفیقانه خود را به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران به شما تقدیم می کند و بار دیگر حمایت خود را از مبارزه شما، در شرایط دشوار کنونی، برای پایان دادن به اختناق و حکومت دیکتاتوری و برای دست یابی به دموکراسی واقعی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی در ایران اعلام می دارد. این سالگرد یاد آور خاطرات شکوهمند از نقش حزب توده ایران و دست آوردهای آن در پیشبرد امر مبارزه مردمی، برای رهایی کشور از چنگال استعمار، برای ملی کردن صنعت نفت، دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان، دهقانان و روشنفکران و آزادی بیان در ایران است. ما همچنین به یاد داریم که چگونه حزب شما با وجود شرایط دشوار، بر ضد رژیم شاه، که در پی کودتای امپریالیستی زاهدی روی کار آمده بود، به مبارزه برخاست و هزاران تن از رفقای توده ای، بررغم مشقات فراوان، شکنجه، زندان و اعدام همچنان پایبند به آرمان های انقلابی حزب در راه تحقق آرمان های مردم رزمیدند... شصتمین سالگرد تأسیس حزب شما در شرایطی فرا می رسد که ما شاهد اوج گیری مبارزه مردمی در سراسر جهان بر ضد «جهانی شدن» خشن سرمایه داری و امپریالیسم آمریکا که خواهان تحمیل نظرات خود بر جامعه بشری است، هستیم... ما خوشحالیم که خواست اوج گیرنده مردم برای اصلاحات در ایران دست آوردهایی را به همراه داشته است. ما امیدواریم که آرمان های میلیون ها ایرانی برای دست یابی به آزادی های دموکراتیک و عدالت اجتماعی تحقق یابد.

رفقا!

ما در گرمای داشت شصتمین سالگرد حزب شما فراموش نمی کنیم که روابط نزدیک میان حزب شما و ما و همچنین مردم دو کشور بر اصل همبستگی بنا شده است. دفاع و همبستگی حزب شما از مبارزات دشوار ما و مردم ما، خصوصاً پس از کودتای فاشیستی ۱۹۶۳، و همچنین در اوضاع کنونی حاکمیت رژیم دیکتاتوری، که جنگ خانمان سوز ایران و عراق به راه انداخت و فاجعه یی انسانی در ابعاد نابودی زندگی یک میلیون انسان خلق کرد، همواره در خاطر ما زنده است...

کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق

۵ سپتامبر ۲۰۰۱

■ آمریکا

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرمای، حزب کمونیست آمریکا، گرم ترین تبریکات رفیقانه خود را به مناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب قهرمان توده ایران، تقدیم شما می کند. در این شصت سال راهبری برجسته در مبارزه برای ایرانی دموکراتیک در دشوارترین شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بوده است. نیم قرن پیش، زمانی که دولتی مترقی به مدتی کوتاه بر سر کار بود، امپریالیسم آمریکا و متحد انگلیس اش درها را بر روی آرمان ها و آرزوهای مردم بستند، که در پی آن ده ها سال استبداد شوم شاه با حمایت آمریکا و سپس دیکتاتوری مذهبی - ارتجاعی، بعد از ۱۹۷۹، بر ایران حاکم شد. باز داشت های گسترده، ترور و شکنجه همه نیروهای طرفدار حقوق اجتماعی و اقتصادی زحمتکشان، نشانگر امواج شدیدترین سرکوب ها است. در همه این شرایط، حزب توده ایران استوارانه در کنار طبقه کارگر و زحمتکشان ایران ایستاده است و با صبوری و ثبات قدم در راه ایجاد جبهه ای متحد علیه استبداد و انحصار گرای، و با هدف آزادی و عدالت در کشورتان تلاش کرده است. در سال های اخیر این مبارزه با مقابله علیه روند جهانی شدن انحصار ها، به سرکردگی شرکت های فراملیتی آمریکایی، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول گره خورده است. روندی که منجر به تخریب اقتصادی، گسترش خصوصی سازی، کنترل شدید اقتصاد توسط سرمایه های فراملیتی، تضعیف قوانین حاکم بر سرمایه گذاری خارجی،

افزایش بیکاری و بدهی های خارجی شده است.

حزب توده ایران با بنا گذاشتن اساس فعالیت هایش بر نیازها و حقوق طبقه کارگر و زحمتکشان، مجدانه در راه گسترش جنبش سندیکا یی مستقل از رژیم تلاش می کند و به هر طریق ممکن برای رشد و پیشبرد مبارزات جنبش زنان، جوانان و دانشجویان می کوشد.

حزب کمونیست آمریکا همبستگی فعال خود را با حزب توده ایران در راه ایجاد ایرانی دموکراتیک که در آن حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همه زحمتکشان رعایت می شود و در نهایت، ایجاد ایرانی سوسیالیستی، با دموکراسی و عدالت اقتصادی و اجتماعی کامل ابراز می دارد. همگام با حزب شما، ما معتقدیم که، روند همکاری احزاب کارگری و کمونیستی اهمیتی حیاتی در مقابله موفقیت آمیز طبقه کارگر جهانی و زحمتکشان بر ضد خرابی های جهانی شدن انحصارها دارد. ما اطمینان کامل داریم که در دورانی که پیش رو داریم، شاهد دست آوردهای حزب توده ایران خواهیم بود که برابر و حتی فراتر از سهم برجسته این حزب در شصت سال اول خواهد بود.

با درود های گرم رفیقانه

کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا

■ دانمارک

رفقای عزیز

حزب کمونیست دانمارک، شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب توده ایران را از صمیم قلب به شما شاد باش گفت و فرصت را مغتنم شمرده ژرف ترین دوردها و احترامات خود را به حزب شما در مبارزه برای آزادی مردم ایران تقدیم می کند. ما اطمینان داریم، مبارزه حزب توده ایران برای ایرانی آزاد و دموکراتیک به پیروزی خواهد رسید. اوضاع بین المللی با جهانی شدن سرمایه بیش از گذشته همبستگی بین المللی طبقه کارگر و همه نیرو های ترقی خواه در سطح جهان را ضرور و لازم می سازد. اعتقاد ما، فضای پدید آمده توسط جلسات و نشست های نوبتی احزاب کارگری و کمونیستی در رشد آتی، در راه همبستگی بین المللی از ارزش و اهمیت فوق العاده برخوردار است.

حزب توده ایران شرکت کننده بسیار فعال و پرکار در این جلسات است که با ارائه پیشنهادات سازنده و علمی، در ارتقاء روابط نقش برجسته دارد. گرد همایی احزاب کمونیست در سطح بین المللی به مقاومت روز افزون جهانی در مقابله با سرمایه انحصاری که جهان ما را به سوی جنگی نابود کننده، بی حرمتی به مقام انسان و تخریب محیط زیست و تحکیم دیکتاتوری ها سوق می دهد یاری می رساند و از این رو بسیار با اهمیت تلقی می شود.

حزب کمونیست دانمارک در سالگرد پایه گذاری حزب شما، همبستگی قاطع خود را با مردم ایران و مبارزه قهرمانانه آنان در راه آزادی در رویارویی با رژیم ارتجاعی و ضد دموکراتیک ولایت فقیه اعلام می دارد. کمونیست های دانمارک از دشواری های غیر قابل تصور فعالیت غیر علنی آگاهی دارند، حزب ما فقط در طول ۵ سال که کشور ما در اشغال فاشست های آلمانی بود، فعالیت غیر علنی کرده است. اما حزب توده ایران، سالیان سال است به طور غیر علنی فعالیت می کند. ما کمونیست های دانمارک، حزب توده ایران را به خاطر توانایی، هوشیاری و اصولیت در پرداختن به امر مبارزه در طول سالیان دراز و تحت شرایط بسیار سخت، ستایش می کنیم. ما همراه شما مشتاق روزی هستیم که مبارزه در راه آزادی به ثمر برسد و حزب توده ایران در آغوش مردم ایران، به صورت علنی و بدون فشار رژیم های استبدادی به فعالیت پرداخته و در راه تحقق آرزو های زحمتکشان ایران برزمد.

با تقدیم بهترین دورد های رفیقانه

بتی فرانتز بیارگ کارسون، صدر حزب کمونیست دانمارک

کپنهاگ - ۷ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی

عظیم مورد توجه قرار بگیرد، اینست که حتی پس از این همه حملات، حزب توده ایران توانست یک بار دیگر خود را در داخل و خارج از کشور تجدید سازمان بدهد، و به مبارزه خود برای پایه گذاری یک ایران دموکراتیک و سوسیالیستی مبارزه کند. در چنین مناسبت فرخنده ای، شورای مرکزی حزب کمونیست هند آرزو دارد که همبستگی خود با حزب توده ایران را گسترش دهد و امیدوار است که دوستی سنتی میان خلق های ایران و هند و احزابمان بیشتر تقویت یابد.

با درود های انقلابی

شورای مرکزی حزب کمونیست هند



به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز

کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)، بسیار مفتخر است که در شصتمین سالروز بنیانگذاری حزب توده ایران، شاد باش های برادرانه خود را به کمیته مرکزی حزب توده ایران تقدیم کند.

رفقا،

حزب توده ایران، گذشته درخشانی دارد. حزب توده ایران در سال ۱۹۴۱، به مثابه وارث و ادامه دهنده راه حزب کمونیست ایران، که در سال ۱۹۲۹ توسط رژیم منفور رضا شاهی غیر قانونی اعلام شده بود، تشکیل شد. کودتای آمریکایی ۱۹۵۳ دست آوردهای مردمی را که با مبارزات مردم حاصل شده بود، به عقب برگرداند. کودتا ضربه بزرگی به حزب توده ایران بود که در جریان آن تعداد بسیار زیادی از رهبران و اعضایش با کشف سازمان نظامی دستگیر و اعدام شدند. بعداً نیز حزب مورد سرکوب شدید قرار گرفت. در اواسط دهه هفتاد میلادی، شرایط انقلابی در ایران بالا گرفت. اعتراضات مردمی که محصول عدم آمادگی زحمتکشان و توده های مردم به تحمل حکومت مستبدانه عروسک آمریکا، شاه، بود به نقطه اوج خود رسید. دست آوردهای انقلاب ۱۹۷۹ نتوانست تثبیت شود. خمینی و نیروهای هوادار او به انقلاب خیانت کردند. موجی از سرکوب ایران را فراگرفت و هزاران نفر توسط دادگاه های شبه نظامی محاکمه و اعدام شدند. ضربه اصلی را در این جریان نیروهای چپ متحمل شدند. حزب توده ایران در سال ۱۹۸۳، غیر قانونی اعلام شد و بیش از ده هزار نفر از اعضا و فعالان آن دستگیر و روانه زندان ها شدند... با بیرون آمدن از زیر این ضربه سخت، حزب توده ایران به سازمان دهی مجدد سازمان های خود پرداخت، نیروهای مردمی را علیه نیروهای ارتجاعی طرفدار دیکتاتوری مذهبی بسیج کرد و تلاش نیروهای دموکراتیک و مردمی را برای تغییرات بنیادی متحد سازد. جشن شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب شما در شرایط بین المللی پیچیده ای صورت می گیرد... رفقای گرامی، تاریخ حزب توده ایران، تاریخ از خود گذشتهای های بزرگ است. صدها نفر از رهبران و فعالان حزب در طول تاریخ آن، در مقابله با رژیم های سرکوبگر، جان خود را نثار کرده اند. از خود گذشتهای حزب توده ایران، که علیرغم موانع و سختی های بزرگ پرچم سرخ را در احتزاز نگه داشته است، الهام بخش کمونیست ها در سراسر جهان است. از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست) در شصتمین سالروز بنیان گذاری حزب توده ایران، ما بار دیگر به شما درود های برادرانه می فرستیم. ما شکی نداریم که در آینده ای نه چندان دور، حزب توده ایران، آبدیده در میدان مبارزه، در مبارزه برای تثبیت حقوق بشر، دمکراسی و عدالت اجتماعی در ایران پیروز خواهد شد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست هند (مارکسیست)

اسرائیل

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای گرامی

ادامه جلوه های شکوهمند همبستگی بین المللی ...

کانادا

کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز

کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا به مناسبت شصتمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران در ۱۰ مهر، تبریکات و بهترین آرزو های خود را نثار همه اعضا و هواداران حزب توده ایران می کند. کمونیست های کانادا به ۶۰ سال تاریخ مبارزه فداکارانه و مصمم حزب شما در راه دموکراسی و پیشرفت اجتماعی مردم ایران که غالباً تحت فشار طاقت فرسا بوده است، درود می فرستد. ما همچنین پشتیبانی خود را از تلاش شما در بسیج نیرو های مترقی و دموکراتیک در راه ایجاد ایرانی متحد، مستقل، دموکراتیک و غیر مذهبی اعلام می کنیم.

ما درک می کنیم که مبارزه امروز شما، با تحلیل دقیق شرایط بین المللی، با تحمیل برتری سرمایه مالی بین المللی که توسط کشورهای امپریالیست به رهبری ایالات متحده آمریکا صورت می گیرد، بسیار پیچیده است و حمله تروریستی، اخیر به نیویورک و واشنگتن ممکن است به مداخله و تهاجمات گسترده تری توسط نیرو های امپریالیستی و متحدین آنان منجر گردد. به هر صورت ما مطمئن هستیم که نیرو های مترقی جهان، طبقه متشکل کارگر، نیروهای جهانی صلح و جنبش هادموکراتیک و ضد امپریالیستی در همه کشور ها به این عقب نشینی غلبه کرده و از طریق مبارزات ملی، منطقه ای و جهانی قدرت خود را مجدداً به دست می آورند. پیشرفت نیرو های انقلابی و مترقی در محدود کردن قدرت و عملکرد امپریالیسم تاثیر عمیقی خواهد داشت و افق را برای امکان دموکراسی و پیشرفت های اجتماعی در کشورهای مختلف می گشاید. لطفاً تبریکات گرم کمونیستی ما را به این مناسبت فرخنده بپذیرید. زنده باید توده

پیروز باد صلح، دموکراسی و سوسیالیسم

میگل فیگوئرا، کمیته اجرایی مرکزی حزب کمونیست کانادا

هند

پیام شورای مرکزی حزب کمونیست هند

رفقای عزیز:

شورای مرکزی حزب کمونیست هند گرم ترین درودهای خود را به مناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران به رهبری و تمامی اعضای حزب تقدیم می دارد. از همان شروع، حزب توده ایران، مشکلات عظیمی را از سر گذرانده، و در معرض ترور مخوف از سوی نیروهای ارتجاعی مختلف بوده است و در حال حاضر نیز با آن ها روبرو است. تمامی اینها به فدکاری های عظیمی از سوی اعضا و هواداران حزب توده ایران انجامیده است. تشکیل حزب توده ایران یک واقعه مهم هم برای ایران و هم برای طبقه کارگر بین المللی و نیروهای جنبش آزادیبخش ملی در سطح جهان بود. حزب توده ایران، از همان اوان تشکیل خود، اولین حزب سیاسی در ایران بود که نیاز به تشکیل یک جبهه متحد از نیروهای مترقی را در مبارزه بر ضد ارتجاع و امپریالیسم درک کرد و برای اتخاذ ابتکارات عملی در این رابطه، در زمانی که رژیم دیکتاتوری در ایران یک تهدید واقعی و مطرح بود، شعار مبارزه مشترک همه طبقات و قشرهای آزادی خواه را بر ضد دیکتاتوری ارتجاعی را مطرح کرد و از آن زمان تا کنون بطور وقفه ناپذیر بر علیه رژیم های دیکتاتوری متفاوتی که در ایران حاکم بوده اند، مبارزه کرده است. ما به اهمیت نقش کلیدی حزب توده ایران در مبارزه بر علیه حکومت دیکتاتوری شاه در سال های ۷۰ میلادی و فرو کشیدن او از تخت سلطنت واقف هستیم. ولیکن، پس از اینکه خمینی به قدرت رسید، او نیز تهاجم وحشیانه ای را بر ضد حزب توده ایران سازمان داد و هزاران عضو و هوادار حزب توده ایران زندانی و یا کشته شدند. اما آنچه که باید با افتخاری

ادامه جلوه های شکوهمند همبستگی بین المللی ...

بسیار مفتخریم که در شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران، پیام های همبستگی و برادری خود را به شما، و از طریق شما، برای تمامی اعضاء و هواداران می فرستیم. سالگرد بنیانگذاری حزب شما در شرایطی صورت می گیرد که کارگران و زحمتکشان و نیروهای مردمی و صلح جو در سراسر جهان، در برابر حمله شدیدی که از طرف کمیانی های بین المللی و نیروهای حاکم مرتجع، آنچه که به آن نام «نظم نوین جهانی» داده اند، قرار گرفته اند. در این شرایط، اتحاد طبقه کارگر، و تعمیق همکاری نیروهای چپ و مردمی، و ایجاد همبستگی بین المللی، از مهم ترین وظایف به شمار می آیند. ما مبارزه قهرمانانه شما را در طول شصت سال، با توجه بخصوصی دنبال کرده ایم.

برغم خرابکاری بی که از طرف دولت شارون- پروز، با حمایت آمریکا، بر دورنمای صلح میان اسرائیل و فلسطین، با خونریزی وحشتناک در منطقه ما صورت می گیرد، حزب ما درگیر تلاش برای تقویت همکاری تمام نیروهای مردمی و صلح جو در اسرائیل است. ما متحداً برای یک راه حل صلح آمیز بر پایه خاتمه دادن به اشغال سرزمین، ایجاد کشور مستقل فلسطینی با بیت المقدس شرقی به عنوان پایتخت آن، به موازات اسرائیل، و یک راه حل مورد توافق برای پناهندگان فلسطینی، و بر پایه قطعنامه های سازمان ملل، مبارزه می کنیم. کمونیست های اسرائیلی، و متحدان آن ها در جبهه «صلح و برابری» از هیچ گونه تلاشی به منظور متحد ساختن طبقه کارگر و توده های مردم در اسرائیل، عرب ها و یهودی ها، در مبارزه متحد علیه بیکاری رشد یابنده، و برای دفاع از حقوق اجتماعی و دستاورد های طبقه کارگر و توده های مردم، برای توزیع عادلانه درآمد ملی و سوسیالیسم، کوتاهی نمی کنند. ما از همکاری و روابط نزدیک رفیقانه با حزب شما استقبال می کنیم، و برای شما در مبارزه آرزوی موفقیت می نمائیم.

با درود های برادرانه

محمد نافح- دبیر اول حزب کمونیست اسرائیل.

■ فنلاند

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز،

کمیته مرکزی حزب کمونیست فنلاند درودهای برادرانه همبستگی خود را به مناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران، تقدیم شما می کند. حزب توده ایران، در مبارزه برضد رژیم دیکتاتوری در کشورتان، برای دستیابی به صلح، دموکراسی، حقوق بشر، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم همواره نقشی مهم داشته و دارد. حزب توده ایران آن حزبی است که طبقه کارگر و تمام زحمتکشان ایران برای مبارزه شان به آن نیاز دارند. ما در این مبارزه مهم و دشوار، برای شما آرزوی موفقیت داریم.

مبارزه شما نه تنها برای مردم ایران، بلکه برای تحولات خاورمیانه و بین المللی نیز حائز اهمیت است. وقایع روزمره تصرف جبارانه سرزمین، و کشتار مردم فلسطین، توسط دولت اسرائیل و نیروهای نظامی آن، تأکیدی بر نیاز به همبستگی بین المللی و همکاری همه نیروهای آزادی خواه، مترقی و ضد امپریالیست است.

حزب کمونیست فنلاند، سابقه بی طولانی در روابط برادرانه و همکاری های پرثمر با حزب توده ایران دارد. این همکاری برای کل جنبش مترقی و چپ در کشور ما با اهمیت است. آرزومندیم این تماس های برادرانه و روابط همبستگی و همکاری ما هر چه گسترده تر بشود.

با سلام های برادرانه،

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فنلاند،

یارو هکانان- صدر

■ کردستان عراق

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

افتخار داریم که بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست کردستان - عراق، به مناسبت شصتمین سالگرد بنیانگذاری حزب قهرمان شما، تبریکات صمیمانه خود را، و از طریق شما به همه اعضاء و رفقای حزب شما، تقدیم کنیم. ما امیدواریم که مبارزه شما برای دستیابی به اهدافتان، و امید های مردم ایران به حصول صلح، دموکراسی، حفرق بشر و عدالت اجتماعی، با موفقیت همراه باشد. ایجاد حزب شما، تجلی توسعه جنبش کارگری و جنبش دموکراسی در ایران و تشدید مبارزه بود... مسیری که حزب شما در مبارزه طی کرده است، مزین به افتخارات، شکست ها و پیروزی ها است. شما نقشی افتخار آمیز در تاریخ ایران و دفاع از مردم و آزادی میهن تان دارید که به قیمت قربانی دادن در مبارزات طبقاتی و ملی، در زندان ها و در مهاجرت، حاصل شده است. شما اجازه ندادید که دشمن بر حزب شما غلبه کند. حزب شما قوی باقی مانده است و مصمم تر به مبارزه خود ادامه می دهد.

حزب کمونیست کردستان- عراق همیشه در کنار شما برادران در مبارزه تان برای توسعه و دموکراسی، برای صلح، در مبارزه برای دستیابی به حقوق ملی خلق ها ایستاده ایم. ما معتقدیم که صلح و حقوق بشر بدون دموکراسی، دموکراسی بدون اخلاقیات و پلورالیسم سیاسی، آزادی عمومی و احترام به حق انتخاب مردم معنی ندارد. ما فرصت سالگرد بنیانگذاری حزب شما را غنیمت شمرده و علاقه خود به توسعه روابط متقابل، که دو حزب ما را به هم پیوند می دهد، ابراز می داریم. ما به توسعه و ترفیع این روابط امیدوار هستیم. ما افزایش دیدارها، ارتقاء روابطمان و توسعه همکاری، تبادل نظر و گفتگو میان احزابمان برای بررسی رخدادهای و تحولات و بهره گیری از شیوه های مناسب مبارزه برای دستیابی به آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی خواهیم. در خاتمه، ما همبستگی خود را با شما در مبارزه تان برای صلح، دموکراسی، حقوق بشر مجدداً تصریح می کنیم. ما برای حزب شما موفقیت دائمی آرزو داریم.

«نامه مردم» در فستیوال «اومانیت»

فستیوال سالانه روزنامه «اومانیت» در روز های ۱۶-۱۴ سپتامبر در پارک بورژ پاریس، پایتخت فرانسه برگزار شد. بنا به دعوت «اومانیت» که نشریه حزب کمونیست فرانسه محسوب می شود و در گذشته نه چندان دوری ارگان این حزب برادر بوده است، هیئت نمایندگی حزب توده ایران در فستیوال «اومانیت» شرکت کرده و با برپایی غرفه «نامه مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، صدای مبارزات جنبش مردمی میهن مان را به گوش صدها هزار بازدید کننده فستیوال رساند. در غرفه «نامه مردم» که با تصاویر شهیدان و قهرمانان توده ای و پوستر های ۶۰ امین سالگرد حزب مان مزین شده بود، مجموعه متنوعی از نشریات و کتب منتشره حزب توده ایران و اسناد حزبی به زبان های فارسی، انگلیسی، فرانسوی، و آلمانی را به معرض نمایش گذاشته شده بود.

صدها مراجعه کننده ایرانی و فرانسوی، و از ملیت های دیگر، غرفه حزب در گفتگو با مسئولان غرفه در جریان تحلیل های حزب توده ایران در رابطه به تحولات کشور قرار گرفتند.

هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در طول دوره فستیوال در رابطه با تشریح اوضاع ایران و منطقه و جهان با نمایندگان احزاب کمونیست- کارگری از کشورهای اسپانیا، پرتغال، هند، آلمان، سوریه، الجزایر، عراق، ویتنام، انگلستان، ایرلند و فرانسه ملاقات و گفتگو کردند. در جریان فستیوال «اومانیت» احزاب کارگری و کمونیستی شرکت کننده بیانیه بی در همبستگی با مردم ایران امضاء کردند که در صفحه ۱۲ همین شماره «نامه مردم» درج شده است.

بیانیه همبستگی با مردم ایران

ما، احزاب و سازمان های کمونیستی - کارگری امضاء کننده این بیانیه، که همواره از مبارزه مردم ایران برای حقوق بشر، دموکراسی، صلح و عدالت اجتماعی حمایت کرده ایم، نگرانی خود را در موارد زیر اعلام می کنیم:

■ ادامه نقض حقوق بشر در ایران،
■ تحمیل سانسور و بستن بیشتر از ۳۰ روزنامه و نشریه مستقل،

■ وضعیت اقتصادی غیر قابل تحمل که موجب بیکاری وسیع، عدم امنیت شغلی و اخراج های وسیع کارگران شده است،
■ گسترش فقر، گرسنگی و معضلات اجتماعی که بر آمد سقوط اقتصادی است،

■ زندانی کردن بسیاری از روزنامه نگاران، سردبیران، نویسندگان و هنرمندان مستقل

■ بازداشت غیرقانونی، شکنجه و زندانی کردن رهبران جنبش دانشجویی و سازمان های سیاسی غیر دولتی، مجبور ساختن برخی از دستگیرشدگان، در تحت فشار به ظاهر شدن در مقابل دوربین های تلویزیونی و «اعتراف به جرم» به چالش طلبیدن قدرت رژیم . مردم ایران تمایل خود به تغییر را به نمایش گزارده اند. کارگران، دانشجویان و زنان در

طلب تغییرات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی فریاد بر آورده اند. ما معتقدیم که، آزادی سیاسی در چارچوب نابرابری های اقتصادی و فقر نمی تواند دموکراسی واقعی باشد. ما معتقدیم که، ساختمان یک جامعه آزادتر، عادلانه تر، برادرانه تر و انسانی در ایران نمی تواند و نباید از مبارزه برای ساختمان یک جهان فارغ از استعمار، بیگانگی و سرکوب، یک جهان صلح آمیز، مملو از دوستی و همکاری بین همه مردم جدا باشد. ما خواهیم:

● پایان دادن به دیکتاتوری در ایران،

● آزادی همه زندانیان سیاسی،

● خاتمه به هر گونه شکنجه،

● همبستگی با نیروهای سیاسی مترقی ایرانی که برای دموکراسی، حقوق بشر، صلح و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند، هستیم.

حزب کمونیست هند، حزب کمونیست (مارکسیست)، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست ایرلند، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست پرتغال، حزب کمونیست های ایتالیا، حزب کمونیست کبک (کانادا)، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست انگلستان، حزب کمونیست سودان، حزب کمونیست شیلی، حزب کمونیست یونان و آکل - حزب زحمتکش مترقی قبرس .

ادامه ضرورت تشدید مبارزه بر ضد نظامی گری و برای حفظ صلح

طولانی مدت بر ضد تروریسم سخن گفت و شماری از دولتمردان این کشور نیز بر ضرورت انتقام گیری از مسببین این جنایت هولناک تأکید کردند. کالین پاول، وزیر امور خارجه آمریکا، اعلام کرد که آمریکا در تدارک کارزار طولانی مدت نظامی بر ضد «تروریسم جهانی» است و بوش در سخنانی دیگر اعلام کرد که نیروها و دولت های مختلف جهان باید تصمیم بگیرند که «یا در کنار ما بمانند و یا بر ضد ما!»

بی شک چنین موضع گیری هایی، در کنار تدارک عظیم نظامی که دولت های آمریکا و بریتانیا و همچنین ناتو آغاز کرده اند و اعزام نیروی نظامی به منطقه خاورمیانه، خلیج فارس و کشورهای همسایه افغانستان نمی تواند نگرانی نیروهای مترقی و صلح دوست جهان را بر نیانگیزد. در پی حمله تروریستی به آمریکا، نیروهای مترقی و آزادی خواه، و خصوصاً اکثریت قاطع احزاب کارگری و کمونیستی جهان، از جمله حزب توده ایران، ضمن محکوم کردن این عمل ضد انسانی

در باره ماجراجویی های نظامی که تنها به خونریزی بیشتر منجر خواهد شد، هشدار دادند و خواهان برداشتن گام های اساسی در راه برخورد با زمینه های تروریسم شدند. از جمله دولت انقلابی کوبا، و حزب کمونیست این کشور، ضمن محکوم کردن این حرکت آمادگی خود را برای کمک های انسان دوستانه، از جمله اعزام دکتر به نیویورک و واشنگتن اعلام کردند. در عین حال فیدل کاسترو ضمن هشدار باش پیرامون خطرانی که جهان را با اوج گیری نظامی گری تهدید می کند، خواهان تشدید مبارزه برای حفظ صلح شد. حزب کمونیست آفریقای جنوبی، پرتغال، و ژاپن نیز در موضع گیری مشابهی ضمن محکوم کردن حملات تروریستی، خواهان درگیر شدن سازمان ملل متحد به عنوان نهاد جهانی برای مبارزه بر ضد تروریسم شدند. حزب کمونیست یونان، ضمن اشاره به نقش دولت آمریکا، در ایجاد درگیری های نظامی، و تحمیل سیاست های برتری طلبانه در عرصه جهانی، ریشه های تروریسم را در بی عدالتی های موجود در روابط بین المللی، خصوصاً در پایمال شدن حقوق مردم فلسطین در خاورمیانه و سایر خلق های این منطقه دانست.

راز پنهانی نیست که گروه طالبان، با اشاره سیا، و پول و سازماندهی سازمان امنیت پاکستان ایجاد گردید و توانست با اتکاء به کمک های نظامی دولت پاکستان، بر بخش های بزرگی از افغانستان حاکم گردد. جنایات طالبان در افغانستان، بر ضد مردم این کشور، در سال های اخیر با بی توجهی کامل محافل بین المللی خصوصاً سران کشورهای غربی و آمریکا، فاجعه بزرگ انسانی را در منطقه خلق کرده است.

امروز مبارزه با تروریسم نباید به بهانه بی، برای تشدید نظامی گری و تحمیل «نظم نوین جهانی» آمریکا و متحدان آن به مردم کشورهای دیگر تبدیل شود. نیروهای مترقی جهان حق دارند که با نگرانی بسیار تحولات روزهای اخیر را دنبال کنند. در اروپا و در دیگر کشورهای جهان، نیروهای صلح دوست به حرکت در می آیند تا اجازه ندهند بار دیگر ماجراجویی نظامی جدیدی در منطقه آغاز گردد. سفر وزیر امور خارجه انگلیس، جگ استرو، به ایران و سایر کشورهای منطقه، برای توضیح سیاست های آمریکا و در عین حال ایجاد اتحادی سیاسی - نظامی برای مقابله با «تروریسم» در منطقه است. حزب توده ایران همگام با دیگر نیروهای مترقی و آزادی خواه جهان، معتقد است که کارزار جهانی بر ضد تروریسم، باید در چارچوب سازمان ملل متحد سازمان دهی شود. هرگونه عملیات نظامی به قصد انتقام جویی، به تشدید تشنج و درگیری در منطقه منجر خواهد شد و عواقب و خطرات آن برای صلح و امنیت جهانی جدی است. در اوضاع بسیار بغرنج و حساس کنونی تنها با تشدید مبارزه برای صلح است که می توان منطقه را در برابر خطرات نظامی گری و خونریزی و تخریب هرچه بیشتر بیمه کرد. تلاش در این زمینه یکی از مهمترین وظیفه نیروهای مترقی در سراسر جهان و منطقه است.

دولت های منطقه نیز اگر به فکر منافع ملی کشورهای خود باشند باید ضمن تأکید بر ضرورت برخورد با تروریسم جهانی، مخالفت خود را با ماجراجویی های نظامی اعلام کنند. تجربه دردناک خلق های جهان از ماجراجویی های گوناگون نظامی امپریالیسم در قرن بیستم، اجازه هیچ گونه خوشبینی را در زمینه آغاز ماجراجویی جدیدی نظامی در قرن بیست و یکم نمی دهد.

آدرس ها: لفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Nameh Mardom-NO 618
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

25 September 2001

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک